چهارشنبه ۲۳ خرداد ۱۳۹۷، ۲۸ رمضان ۱۴۳۹، ۱۳ ژوئن ۲۰۱۸، سال پانزدهم، شماره ۴۱۰۹

اعتماد ۷

در اهمیت میزبانی جام جهانی

جنگ سرد سیاست و اقتصاد

۸

جامعه‌شناسی شهر ایرانی در گفت‌وگو با پرویز اجلالی

نفس کشیدن قاتل جان شده‌است

۱۴

رضا معطریان

گفت‌وگو با مجتبی میرتهماسب درباره مستند «توران خانم»

ساخته مشترک با رخشان بنی‌اعتماد و دلایل پخش اینترنتی فیلم

اکران بدون مرز

آیدا عزتی

نام توران میرهادی برای کسانی که در حوزه کودک و نوجوان فعالیت می‌کنند، نام آشنایی است. زنی که معمار نهادهای کودکی و مادر علم تعلیم و تربیت نوین در ایران لقب گرفته و بعد از هر رنجی که در زندگی پر فراز و فرودش دیده، آن را تبدیل به سرمایه‌اش برای انجام کارهای بزرگ و ماندگار کرده است. کارهایی نظیر راه‌اندازی کودکستان، دبستان و راهنمایی غیردولتی «فرهاد» (۱۳۵۹-۱۳۳۴) و همچنین بنیانگذاری دو نهاد «شورای کتاب کودک» و «فرهنگ‌نامه کودکان و نوجوانان» از کارهای ارزشمندی است که توران میرهادی در طول زندگی ۸۹ ساله خود انجام داده‌است.

رخشان بنی اعتماد و مجتبی میرتهماسب از مهرماه سال ۱۳۹۱ تا پاییز ۱۳۹۵ آخرین روزهای حیات خانم میرهادی همراه او بودند. لحظات زندگی و تلاش‌هایش برای تداوم انتشار فرهنگ‌نامه کودکان و نوجوانان را ثبت کردند و ماحصل این کار مستند «توران خانم» و فیلم هفتم از مجموعه کارستان شده‌است.

در تصمیمی نو صاحبان فیلم می‌خواهند مستند «توران خانم» را از ۲۶ تا ۲۸ خرداد به صورت اینترنتی در سایت هاشور اکران کنند. اکرانی که هیچ مرزی ندارد و هر بیننده در هر جای دنیا که باشد می‌تواند فیلم را تماشا کند. با مجتبی میرتهماسب که علاوه بر کارگردانی، تهیه‌کنندگی این کار را بر عهده دارد درباره این مستند و دلایلی که منجر به تصمیم برای اکران اینترنتی فیلم شد، به گفت‌وگو نشستیم.

■ **بعد از تماشای فیلم متوجه این نکته شدم که شما هم مانند خانم میرهادی با این مشکل روبه‌رو هستید که حمایت جایی را برای کار خود ندارید. این مشکل چقدر انگیزه شما را بیشتر کرده است که این کار را پیش ببرید و به ایده‌های نو برسید؟**

در ابتدا فرض اصلی همه ما این است که ای کاش در هر جای دنیا حمایتی برای این دسته از کارهای فرهنگی وجود داشت. البته در بقیه جاهای دنیا متولیانی حضور دارند که به جامعه فکر می‌کنند و این درک را دارند تا کمک کنند و اتفاق‌های فرهنگی صورت بگیرد. اما اینجا کسی کمک نمی‌کند و من به عنوان فیلمساز به اجبار کار تهیه‌کنندگی و پخش را هم انجام می‌دهم. البته من هیچ‌وقت منتظر سرمایه برای فیلم ساختن نبودم. اگر موضوعی جذبم کند، کار را شروع می‌کنم و در طول ساخت سعی می‌کنم حمایت و سرمایه‌گذار پیدا کنم و اگر نشد، تلاش می‌کنم از جای دیگر جبران کنم. نکته مهم دیگر این است که من و خانم بنی‌اعتماد با روش حذف شیوه‌های سود در تولید، فیلم می‌سازیم و دنبال تامین منابع مالی دولتی و خصوصی در بخش تولید نمی‌گردیم. چیزی که امروز تبدیل به آفت فرهنگی ما شده همین است که عده‌ای در حوزه‌های مختلف منتظر سرمایه‌های دولتی هستند و صرفا از طریق تولید سود می‌برند.

از منظر اقتصادی در هر کاری از جمله سینما باید سرمایه‌گذار، تولید، پخش و فروش باید باشد تا این چرخه را کامل کند. ولی وقتی سود فقط در تولید باشد، پخش دیگر اهمیت خود را از دست می‌دهد. ما عمدا این بخش را در کار خود حذف کردیم و دنبال این هستیم که بخش خصوصی که همفکر ما است در بخش پخش، نمایش و فروش به ما اضافه شود. با این شیوه با آرامش فیلم بسازیم و دست‌مان بازتر می‌شود و با همه احترام به مخاطب و رعایت تمام قواعد حرفه‌ای فیلم می‌سازیم.

■ **داستان ساخت فیلم «توران خانم» از کجا شروع شد؟**

اگر بخواهیم به طور مشخص درباره فیلم توران خانم صحبت کنیم؛ من و خانم بنی اعتماد آرزوی دیرینه مان بود. دوست تهیه‌کننده‌ای هم بنا شد سرمایه کار را تهیه کند، من و خانم بنی اعتماد به عنوان کارگردان فیلم‌مان را بسازیم. برای من شرایط ایده‌آلی بود که تهیه‌کننده کار خودش را انجام بدهد و من هم به کارگردانی خود برسم. ما وارد کار پژوهشی شدیم و فیلمبرداری را آرام آرام شروع کردیم. آن دوست‌مان هم تلاش خودش را کرد. اما پس از سه چهار ماه به نتیجه نرسید و از ما عقب ماند. در نهایت ایشان کار را رها کردند و من در نقش تهیه‌کننده ادامه دادم. تلاش‌هایی کردیم برای اینکه جذب سرمایه کنیم.

■ **«توران خانم» ادامه کارستان است یا یک فیلم مستقل از این مجموعه محسوب می‌شود؟**

ما با فاصله خیلی کمی از «توران خانم» پروژه کارستان را شروع کردیم. شاید توران خانم از مهم‌ترین فیلم‌های کارستان باشد، ولی چون تولید آن به زمان طولانی‌تری نیاز داشت و ویژگی‌های منحصر به فرد خود را داشت، این فیلم را در فاز اول کارستان که شش فیلم بود متصل نکردیم در واقع الان به عنوان هفتمین فیلم کارستان معرفی و پخش می‌شود که امیدواریم شروع یک فاز دیگر هم برای ادامه این مجموعه باشد.

■ **منظورتان از ویژگی‌های منحصر به فرد فیلم «توران خانم» چیست؟**

ما اواسط مونتاژ «توران خانم» بودیم که متوجه شدیم این فیلم شبیه هیچ کدام از فیلم‌های ما نیست. شاید به این دلیل که توران خانم آدم ویژه‌ای بود و مخاطبان مخصوص به خود را دارد. مخاطبان اصلی این فیلم همه نهادهای کودک، مهد کودک‌ها و آموزشی هستند. ما باید این فیلم را در چرخه مدل اقتصادی خودمان بیندازیم تا حداقل هزینه‌های تولید را دربیاوریم و بعد به سوددهی برسیم تا هم زنده بمانیم و هم بتوانیم فیلم بعدی را بسازیم.

■ **وقتی با این شرایط اقتصادی و بدون حامی مالی فیلم می‌سازید، چرا تصمیم گرفتید درآمدهای حاصل از این فیلم را به شورای کتاب کودک و فرهنگ‌نامه کودکان و نوجوانان اختصاص بدهید؟**

این تصمیم که عواید و منافع مالی این فیلم به شورا و فرهنگ‌نامه برسد را در همان مرحله تولید گرفته بودیم. من در چند مرحله که فیلم ساخته شده بود و مونتاژ در حال اتمام بود و حتی در مراحل فنی صداگذاری با خیلی از کسانی که فکر می‌کردم به این موضوع علاقه و توان مالی دارند، مذاکره کردم تا حداقل هزینه‌های تولید فیلم را مشترک پرداخت کنیم اما به نتیجه نرسیدیم. اما خوشبختانه در اولین نمایش فیلم که سوم آذر ماه ۹۶ به بهانه اولین سال درگذشت توران خانم برگزار شد، یک جمع خانوادگی اعلام کردند از جلد بعدی فرهنگ‌نامه حمایت مالی می‌کنند. تاثیرهای فیلم شروع شد و این ما را مصم‌تر کرد که تصمیم‌مان برای اینکه منافع فیلم به آن نهادها برسد، درست است.

■ **تجربه اکران شش فیلم کارستان را چطور ارزیابی می‌کنید، از نحوه پخش و اکران آن راضی هستید؟**

از منظر اقتصادی منطقی نبود و راضی نیستیم. به همین دلیل است که الان در حال تجربه شیوه جدیدی از اکران و نمایش فیلم هستیم. فاز اول کارستان چهار سال تولیدش انجام شد و حدود یک سال از پخش آن، چه در سینما، چه به صورت دی‌وی‌دی و پخش بین‌المللی می‌گذرد، ما در زمان حاضر به انتهای مسیر این بخش از پروژه رسیده‌ایم و نه تنها هزینه‌های تولیدی این مجموعه را درآورده‌ایم، بلکه کم‌کم آن را به سود رسانده‌ایم. مجموعه کارستان در سینمای مستند حتی سینمای این مملکت و بخش خصوصی ما پروژه عظیمی است.

■ **با اینکه به گفته خودتان کارستان به سود رسیده است، چرا راضی نیستید؟**

از منظر اقتصادی قطعا به صرفه نیست، اما از منظر من مستندساز که همیشه به حداقل‌ها راضی هستم؛ قابل قبول است. من توانسته‌ام جلوی ضرر فیلم ساختن در بخش خصوصی را با همه مشکلاتش بگیرم و به سود برسانم. با اینکه سود آن مختصر و در دراز مدت است و برای کسی که عقل معاش داشته باشد و طول بازه زمانی صرف نیرو و هزینه را در قبال سود آن حساب کند، به طور قطع می‌گوید این شیوه غلط است. اما برای ما که انتخاب کردیم با این شیوه کار کنیم، راه‌حل‌هایی پیدا می‌کنیم و روز به روز هم آن را تقویت می‌کنیم. اگر همت و تلاش در جمعی که دور هم جمع شده‌ایم و کارستان را تشکیل دادیم، ادامه پیدا کند و بتوانیم ابعاد مخاطب‌مان را گسترده‌تر کنیم، مطمئن هستم که در یکی دو سال آینده به ثبات اقتصادی می‌رسیم که خیلی آزادانه‌تر سراغ موضوعات دیگری هم برویم.

■ **در نگاه اول پیدا کردن و جذب مخاطب از طریق تلویزیون ساده‌ترین راه است و مخاطب بیشتری هم جذب می‌شود، چرا شما تلویزیون و مخصوصا شبکه مستند را کنار گذاشتید؟**

در واقع آنها ما را کنار گذاشتند. از زمانی که پخش اولیه کارستان شروع شد، تلاش کردم با کسانی که مدیر یا تهیه‌کننده تلویزیونی هستند، ارتباط بگیرم. اما درهای تلویزیون بسته است چون یک سلیقه یا سیاست از پیش‌تعیین شده‌ای وجود دارد که به قول معروف رسانه ملی را میلی کرده است. صدا و سیما چشم‌هایش را به روی واقعیت‌های جامعه و افرادی که مشخصا فیلمساز هستند، بسته است و تبدیل به یک منطقه مین‌گذاری شده که فقط خودی‌ها معبرهایش را می‌شناسند. آن چیزی هم که آنها تولید می‌کنند برای مخاطب قابل ارزشگذاری نیست. چون می‌خواهند با ابتذال‌هایی که در سریال‌های ترکی و... وجود دارد، رقابت کنند. این رسانه از جایی به بعد دیگر سلیقه و مناسب ما نیست، پس دنبال پنجره‌ای دیگر برای دیده شدن می‌گردیم. ولی همچنان مهم‌ترین محل پخش سینمای مستند، تلویزیون است و این افسوس ما است که چرا تلویزیون چشم‌هایش را بسته است و با وجود همه شعارهایی که هر سال گفته می‌شود و مصداق کامل آنها همین فیلم‌های ما است، اما حاضر به پخش‌شان نیست. اما از آن طرف هم شاید افسوس نهایی را عاقلانی که در آن سیستم هستند باید بخورند.

■ **شما فیلم «توران خانم» را به جشنواره سینما حقیقت ارایه دادید؟**

خیر، در جشنواره سال گذشته فیلم را می‌خواستند اما فیلم بعد از زمان جشنواره آماده نمایش شد. امسال ممکن است فیلم را در جشنواره سینما حقیقت ارایه کنیم که البته بستگی به فضای جشنواره دارد. ما قصد نداریم این فیلم را وارد رقابت کنیم. از جشنواره‌های داخلی و خارجی به عنوان ویترین و محلی برای نمایش فیلم‌مان و وصل شدن به بازار اکران و نمایش استفاده می‌کنیم.

■ **چرا برای نمایش فیلم به اکران در گروه هنر و تجربه روی نیاوردید؟ تجربه این جنس از اکران را موفق نمی‌دانید یا فکر می‌کنید جای این فیلم آنجا نیست؟**

سه، چهار سال پیش که هنروتجربه راه افتاد اولین فیلم مستندی که نمایش دادند، فیلم «شش قرن، شش سال» من بود. قبل از تاسیس گروه هنر و تجربه این فیلم را ساخته بودم و دنبال اکرانش بودم. در شورای صنفی در حال جنگیدن بودم و از همه دوستانی که در پخش سینما بودند، کمک می‌گرفتم چون فکر می‌کردم فیلم‌های مستند را باید به سینما بیاوریم. تا اینکه گروه هنروتجربه تشکیل شد و شاید جزو اولین کسانی هستم که به قوت گرفتن آن کمک کردم. با همه توانی که داشتم و تمام دانسته‌هایم وارد پخش آنجا شدم و از هفته دوم مشکلات اکران به این شیوه را فهمیدم و جلساتی با شورای سیاستگذاری و مدیران آنجا گذاشتم و پیشنهادهایم را ارایه دادم. بخش کمی از آنها انجام شد اما عمده‌اش نادیده گرفته شد. گروه هنر و تجربه از لحاظ تعداد سینما، سانس و... در ذات خودش ظرفیت محدودی دارد و شیوه‌ای که برای اکران دارد راه دسترسی ساده و آسان را به مخاطب فیلم نمی‌دهد. ما با علم به همه این موارد سال گذشته مجموعه کارستان را برای اکران به هنر و تجربه سپردیم و البته قبل از آن تجربه اکران «آی آدمها» را هم داشتیم. می‌دانستیم نباید از منظر سود به آن نگاه کنیم ولی با آن حجم اطلاع‌رسانی و تبلیغاتی که انجام دادیم، حداقل نسبت به فیلم‌های قبلی خودمان انتظار درصدی رشد مخاطب را داشتیم ولی اشکال‌های هنروتجربه به قدری بیشتر شده که تلاش‌های ما به ثمر نرسید و توقعی که در شروع داشتیم با همان حداقل‌های قبلی خودمان هم برآورده نشد. تصمیم مشترک من و خانم بنی‌اعتماد این بود که از اکران «توران خانم» در گروه هنر و تجربه صرف‌نظر کنیم و طبق معمول دنبال راه‌حل جدیدی گشتیم

■ **چه شد که به ایده اکران اینترنتی رسیدید؟**

من این ایده اکران در اینترنت را از همان فیلم «شش قرن، شش سال» یعنی چهار سال پیش داشتم و منتظر بودم که هم ظرفیت زیرساختی وجود داشته باشد و هم فیلمی که این توان را داشته باشد تا در این بستر نمایش داده شود. مجموعه کارستان هم این ویژگی‌ها را داشت. اما چون شش فیلم بود، ریسک بزرگی بود. چون در یک فضای بسته با خودمان رقابت می‌کردیم. «توران خانم» بهترین انتخاب برای اجرای این ایده بود. از زمان مطرح شدن این ایده تا اجرایی شدنش دو سه ماه زمان برد. به قول مادر توران خانم مشکلات ما سرمایه‌های ما هستند و اگر راه‌حل آن مشکل را پیدا کنیم آن را تبدیل به سرمایه خود کرده‌ایم.

■ **چرا فکر کردید که این فیلم می‌تواند در این شکل از اکران موفق باشد؟**

در فیلم «توران خانم» سه موضوع مشخص برای اطلاع‌رسانی و ایجاد انگیزه برای مخاطب وجود دارد. اول خود توران میرهادی است، یعنی چه جامعه و چه افراد زیادی که توران میرهادی را در همه این سال‌ها می‌شناسند و می‌دانند که این زن چه اهمیتی دارد و نهادهای کودکی را ایجاد کرده و می‌خواهند به تکثیر این اندیشه کمک کنند. دومین اتفاق این است که سینمای فرهنگی مستقل با همه کم رمقی‌اش سعی می‌کند روزنه‌ها را باز کند و کسانی که آن را درک کنند، همراه می‌شوند. چون هنوز کسانی هستند که دل‌شان می‌خواهد فیلمی ببینند که چیزی به آنها اضافه کند و سومین فاکتور این است که طبق تصمیم مشترک من و خانم بنی‌اعتماد درآمدهای این فیلم به شورای کتاب و فرهنگ‌نامه کودک و نوجوان می‌رسد. مجموع این فاکتورها می‌تواند انگیزه‌ای باشد برای کسانی که توران میرهادی را می‌شناسند و با اطلاع‌رسانی و خرید بلیت می‌توانند به جان دادن به یک جریان کمک کنند.

ادامه در صفحه ۱۵

■ **امری که امروز تبدیل به آفت فرهنگی ما شده همین است که عده‌ای در حوزه‌های مختلف منتظر سرمایه‌های دولتی هستند و صرفا از طریق تولید سود می‌برند.**

■ **ما باید این فیلم را در چرخه مدل اقتصادی خودمان بیندازیم تا حداقل هزینه‌های تولید را دربیاوریم و بعد به سوددهی برسیم تا هم زنده بمانیم و هم بتوانیم فیلم بعدی را بسازیم.**

■ **گروه هنر و تجربه از لحاظ تعداد سینما، سانس و... در ذات خودش ظرفیت محدودی دارد و شیوه‌ای که برای اکران دارد راه دسترسی ساده و آسان را به مخاطب فیلم نمی‌دهد.**

■ **برای اینکه ما به تلویزیون ثابت کنیم که اگر تو چشمت را ببندی، مردم چشم‌شان را باز می‌کنند و ما راه وصل شدن به هم را پیدا می‌کنیم.**

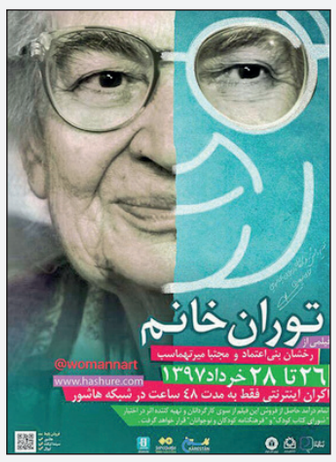

یادداشت

بسترهای غیر کلاسیک اکران

سام کلانتری

سال ۲۰۱۷، اتفاق‌های بسیار خوبی برای اکران مستند در جهان افتاد. مستند «من کاکاسیای تو نیستم» حدود ۷ میلیون دلار در امریکا می‌فروشد و در جشنواره ساندنس غول‌های رسانه‌ای جهان بیش از ۳۰ میلیون دلار هزینه خرید فیلم‌های غیرداستانی می‌کنند اما ما کجای این بازار ایستاده‌ایم؟ جواب ساده است: ما به‌جای اینکه فکر پیدا کردن سهمی از این بازار باشیم، تمام فکر و ذکرمان جلوگیری از حذف سیمرغ سینمای مستند از جشنواره فجر بود... حقیقتا چقدر جذاب! البته اتفاق عجیبی نیست و ظاهرا دولتمردان ما در جشنواره فجر در برابر این کنایه‌ها واکسینه شده‌اند و هدف این نوشته هم چیز دیگری است. همه کسانی که به نحوی با سینمای ایران آشنا هستند قطعا نام‌های «رخشان بنی‌اعتماد» و «مجتبی میرتهماسب» را شنیده‌اند. آنها همراه با گروهی خوب و منسجم در طول چند سال گذشته مجموعه‌ای مستند به نام «کارستان» را آماده اکران و نمایش کردند که این مجموعه باعث ایجاد بستری برای استفاده از ظرفیت‌های روز عرضه فیلم مستند در ایران شد که البته سینمای دنیا سال‌هاست به مدد شبکه‌های کابلی و پلتفرم‌های مجازی به این واقعیت دست‌یافته است. این روزها قسمت دیگری از این مجموعه به نام «توران خانم» قرار است به‌صورت آنلاین اکران یا بهتر است بگوییم به مدت محدودی پخش شود. چه خوب.

خیلی دوست داشتم به عنوان یک فیلمساز در مورد شخصیت «توران میرهادی» و زحمات این دو نفر کارگردان و گروه‌شان صحبت کنم اما همان‌طور که گفتم قصد این نوشته مبحث دیگری است و قصد دارم به بهانه پخش این فیلم در مورد استفاده از بسترهای غیر کلاسیک اکران مستند در دنیا حرف بزنم (البته فکر کنم کم‌کم این شیوه از اکران مستند هم دارد کلاسیک می‌شود و ما چون از جریان عقب هستیم به‌نظرمان غیر کلاسیک می‌آید.)

می‌خواهم در چند مطلب کوتاه درباره بازاری صحبت کنم که شاید هنوز برای بعضی از تهیه‌کنندگان و مستندسازان ایران ناشناخته است. هدف من این است که افراد علاقه‌مند غیر حرفه‌ای هم از این نوشته بتوانند استفاده کنند و به همین دلیل هم می‌خواهم از عنوانی استفاده کنم که شاید کمی اغراق باشد اما طنین ژورنالیستی خوبی دارد: «خداحافظ تلویزیون».

چند وقت پیش با تعدادی از تهیه‌کنندگان و مستندسازان معتبر در خانه سینما نشسته بودیم. همه آنها از شرایط موجود معیشتی گله‌های اساسی داشتند و بحث بر سر این بود که از کجا باید چرخ زندگی را چرخاند. در این شرایط یک تهیه‌کننده مستند چگونه باید علاوه بر خانواده خود، نان یک گروه تولید را هم جور کند یا یک مستندساز، چگونه می‌تواند روزش را، با خیال نیمه‌راحت- و نه حتی راحت- به شب برساند؟

کسی جوابی نداشت و در انتها به جمله‌ای تکراری رسیدیم:

«مستندسازان نمی‌توانند از راه حرفه‌شان یک زندگی ساده را بچرخانند.»

متاسفانه سخنی درست اما دردآور... اجازه دهید از اینجا کمی خودمانی‌تر باشیم و مثل همیشه خودمان آستین بالا بزنیم... اما چگونه؟... چند سالی است که اتفاقات جدیدی در حوزه اکران و پخش فیلم‌ها به راه افتاده و جایی هست که به‌شدت به محتوا نیاز دارد یا شاید بهتر است بگوییم کارش بلعیدن مطالب جذاب تصویری است: بله درست است... فضا و پلتفرم‌های مجازی.

برای کسب درآمد در فضای مجازی به یک خط اینترنت و یک دستگاه مناسب مثل کامپیوتر یا گوشی موبایل احتیاج دارید. اگر همین‌الان این مقاله را از روی گوشی یا کامپیوتر خود می‌خوانید یعنی این امکانات اولیه را دارید و عملا چیز دیگری نیاز نیست.

حالا که شما وارد این دنیای جدید شده‌اید، می‌خواهم شما را با سه اسم مهم آشنا کنم:

Netflix-Hulu-Amazon

اگر با ساختار و فعالیت‌هایی که منجر به پولسازی این سه شرکت شده آشنا هستید، همین‌جا خواندن این نوشته را متوقف کنید و گرنه بیایید کمی با این اسامی بیشتر آشنا شویم:

اگر علاقه‌مند به سریال‌های روز دنیا باشید، حتما اسم مجموعه «هاوس اف کارد» را شنیده‌اید... اگر هم این‌طور نیست حتما همین امروز اقدام کنید.

این مجموعه را شبکه اینترنتی «نت فلیکس» تهیه کرده و تا قبل از رسوایی اخلاقی یکی از بازیگرانش داشت تمام معادلات سودآوری آنلاین در این حوزه را به هم می‌ریخت. زمانی که طراحان، بستر اینترنت را برای پخش مجموعه‌شان انتخاب کردند به نظر خیلی از افراد این حرکت دیوانگی و حتی یک‌جور خودکشی دسته‌جمعی محسوب می‌شد.

چیزی که محال به نظر می‌رسید، اتفاق افتاد و این مجموعه تا چند فصلی هم جلو رفت و به نظر هم نمی‌رسد تا به امروز کسی از گروه سازنده و سرمایه‌گذاران خودکشی کرده باشد، درواقع نه‌تنها سرمایه‌گذاران خودکشی نکردند بلکه چند صفر جلوی اعداد حساب‌های بانکی‌شان اضافه هم شد.

ادامه در صفحه ۱۵